احیای دین

تئوری بازسازی

مناسبت ها

سید هدایت جلیلی

بسم الله الرحمن الرحیم

احیای دین، تئوری بازسازی مناسبات

نویسنده:

هدایت جلیلی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احیای دین، تئوری بازسازی مناسبات

مشخصات کتاب

نویسنده : سید هدایت جلیلی

ناشر: سید هدایت جلیلی

چکیده

احیای دین وامدار نگرش تاریخی به دین است و جز از این منظر، معنا و مبنا نمی یابد و همواره مسبوق به عوارضی است که دین در روند تاریخی دچار آن می گردد. فرایند احیاگری دین همواره در دل خود متضمن دو امر اساسی است: دردشناسی و درمانگری. اساس کار نویسنده در این مقاله ارائه تئوری جامعی است که بتوان با آن همه ی حرکتهای احیاگرانه را در ذیل یک کلیت تبیین کرد. برای این کار ابتدا مقوله دین را در یک شبکه ای از مناسبات درونی و بیرونی ترسیم می کند که در آن چهار مقوله ی مهم «حقیقت دین»، «ساختارهای درونی دین در مقام تدوین»، «چهره های دین» و «ظرف مخاطب (اعم از ظرف ذهن / دل / حیات جمعی)» حضور دارند و از پی آن بیان می کند که احیای دین، همانا تئوری بازسازی مناسبات فیمابین مقولات چهارگانه آن شبکه است. نویسنده، پس از بیان تئوری خود، گام به گام در نشان دادن آن مناسبات و نحوه ی بازسازی آنها (یعنی امر احیاگری) می کوشد.

احیای دین، رهیافت مؤمنانه و غیر مؤمنانه

احیای دین می تواند از سر دغدغه ی دینی باشد یا برخاسته از یک ضرورت فرهنگی و یا هر دو، بسته به این است که درد ما دینی و ناظر به دین باشد یا فرهنگی و ناظر بهفرهنگ و یا هر دو. از این رو، هم مؤمنانه می توان در این وادی گام نهاد و هم غیر مؤمنانه.دین در رهیافت غیر مؤمنانه به منزله ی عنصری از عناصر فرهنگی است و اصلاح و احیای دین «برای» اصلاح و احیای فرهنگ است. در این رهیافت، نه دغدغه ی دینی در میان است و نه لزوما دغدغه ی غیر دینی؛ لذا از حقانیت و خلوص

دین – نفیا و اثباتا – سخنی نمی رود؛ اما در رهیافت مؤمنانه، احیاگر درد دین دارد نه درد فرهنگ [۱] و کارآمدی و توانایی دین را با حقانیت و خلوص آن یکجا می خواهد و هیچکدام را بی دیگری برنمی تابد. از این رو در رهیافت مؤمنانه، عمل احیاگری هم خاستگاه دینی و هم وظیفه و ضرورتی دینی تلقی می شود؛ با این حال، میان دغدغه ی دین داشتن احیاگری و صائب بودن تئوری و روش او هیچ ملازمتی نیست. احساس درد و قدرت درمان دو امر جداگانه است. نه صرف دغدغه ی دین داشتن، علامت و معیار درستی راه حل و شیوه ی احیاگر است و نه از آن سو؛ خطای تئوریک یا روشی احیاگر، وی را از مدار دینداری و دغدغه ی دین داشتن خارج می کند، به دیگر عبارت، از روی نتیجه و برآیند احیاگری، نمی توان با این امر پی برد.

احیای دین، وامدار رویکرد تاریخی به دین

احیای دین وامدار نگرش تاریخی به دین است و جز از این دیدگاه، معنا و مبنا نمی یابد. نگاه گذشتگان ما به خدا، هستی، طبیعت، جامعه و انسان و همینطور دین عمدتا از نظر فلسفی یا کلامی و یا عرفانی بوده است. این مناظر و افقهای سه گانه تماما معطوف به وجوه ثابت است. فلسفه به دلیل ماهیتی که دارد توجه را به سوی عناصر و چهره های ثابت امور معطوف می دارد. کلام نیز همواره در پی تبیین حقایق ثابت حقی است برای اعتقاد ورزیدن، حقایقی که گذر زمان در آنها تأثیر ندارد و به تعبیری زمان بر آنها نمی گذرد. عرفان نیز چشم بر ثابتات دارد و حوادث عالم را تجلی ثابت اسماء الهی می داند. از این رو، ماندن در وادی فلسفه، کلام

و عرفان مجال نظر کردن در وجوه متغیر و سیال زندگی، معرفت، هستی و دین را می ستاند و تور فلسفه، کلام و عرفان نشان داده است که در پی صید ثابتات است نه جوانب شئون متغیر، اما «احیا» همواره ملازم با تغییر وضع و شرایط موجود است.پرسش از حال است و وضعیت ایده آل نه فارغ از گذشته است نه بی اعتنا به آینده؛ لذا سرو کار با زمان دارد و این جز در پرتو نگرش تاریخی میسور نخواهد بود. در نگرش تاریخی است که چشم آدمی بر وجوه سیال و متحول امور و پدیده ها – از جمله دین – باز می شود و آدمی درمی یابد که دین دو چهره دارد: چهره ی سیال و لذا تاریخی و چهره ی ثابت و لذا غیر تاریخی. در این میان، نگرش تاریخی انگشت تأکید بر وجوه متغیر دین می نهد و دین و جوامع دینی را در گستره ی جامعه و جریان تاریخ مورد مطالعه قرار می دهد و احوال و اطوار آن را درمی یابد و به تأمل و مداقه در فراز و نشیبها، اعتلا و انحطاط آن می نشیند و از این بستر و در دامن این نگرش است که احیا می روید و مبنا و معنا می یابد.

فرایند احیاگری، دردشناسی و درمانگری

از دیدگاه «تاریخی»، احیای دین [۲] ، مسبوق و از پی عارضه ای است که نصیب دین می شود. شجره ی طیبه ی دین در اوضاع و مقاطع مختلف احیانا دچار عارضه، آسیب یا آفت می شود. احیاگر در عرصه ی احیای دین با دو تشخیص فوق العاده مهم روبروست: تشخیص درد و تشخیص درمان. بنابراین، اساس کار احیاگران را می توان در «دردشناسی» و «درمانگری» خلاصه کرد. نکته ی شایان توجه این است که دین در

تاریخ حیات و حضور خود در جامعه ی انسانی، نه با یک عارضه یا درد واحد روبرو بوده است و نه احیاگران درمان واحدی را پیش رو نهاده اند. لذا در عرصه ی احیاگری، با «دردهایی» و به تبع «درمانهایی» روبرو بوده ایم. در این میان، توفیق احیاگر، در گام نخست مدیون و مرهون دردشناسی صائب اوست. اگر احیاگر درد دین عصر خود را درنیابد و سر اعوجاج و رنجوری آن را کشف نکندو دچار خطا شود از اساس، ره به خطا برده است و اگر درد دین را در عصر خود به نیکی دریابد گامی دیگر برای توفیق در پیش روی اوست و آن، حسن درمان است. این بیان گرچه ساده می نماید اما به نتایج مهمی رهنمون می کند: ۱- فرض یک الگو برای احیای دین خطاست لذا فرض چند تئوری موفق و صائب غیر منطقی و غیر معقول نخواهد بود. ۲- ارزیابی توفیق احیاگران باید به نوع دردشناسی و میزان درمانگری آنها ناظر باشد. ۳- مقایسه ی تئوریهای احیاگران با یکدیگر نمی تواند فارغ از توجه و تأمل در نوع معضل و دردیباشد که تئوریهای احیاگران ناظر به آن بوده است؛ یعنی «وحدت معضل» یکی از شروط اساسی برای مقایسه ی تئوریهای احیا؛ چرا که پاسخها ناظر به پرسشهاست و «هر کجا مشکل، جواب آنجا رود» [۳] .حال، پرسش این است که آیا می توان این تنوع دردها و تعدد درمانها را در ذیل یک کلیت درآورد. این قلم از پس تأکید و تبیین تنوع تئوریهای احیا بر آن است در پرتو نگرش ارگانیک و سیستمی به دین و با تکیه بر نوعی دین شناسی، تئوریهای احیا و احیاگران را در یک شبکه

و سیستم ارگانیک ترسیم کند.روشن است این تلاش ناظر به احیا در مقام تحقق – و نه تعریف – خواهد بود و به دیگر عبارت، تبیین حاضر تبیینی پسینی و ناظر به تاریخ احیاگری مصلحان دینی است.

دین به مثابه شبکه ای از مناسبات

دین قبل از اینکه به بشر برسد حقیقتی ماورایی، فوق زمان و فوق مکان دارد؛ اما از لحظه ای که بر پیامبر نازل می شود و از رهگذر بعثت در دسترس بشر قرار می گیرد به زبان بشر و به لسان قوم درمی آید و رنگ و بوی مکان و زمان می گیرد و واجد جغرافیا و تاریخ می شود و در ظرف فرهنگ و جامعه قرار می گیرد. بدین ترتیب زمانمند و مکانمند و فرهنگ دار می شود؛ به عبارت دیگر، آن حقیقت ماورایی و آن عطیه ی آسمانی به جامعه ی زمینی درمی آید و آن روح قدسی، کالبدی جسمی می یابد و از ورای این کالبد بشری و زمینی با دیگر عناصر و مقولات زمینی و بشری همنشین می شود و از در تعامل تأثیر و تأثر درمی آید؛ به بیان دیگر، دین در خلأ نازل نمی شود بلکه در ظرفی درمی آید که عناصر دیگری از جنس «واقعیت» و «معرفت» حضور دارند و شبکه ای از ارتباطات، این عناصر را با یکدیگر قرار داده است. درآمدن دین، ساختار پیشین را برهم می زند و ساختار جدیدی را اقتضا می کند. در گذر زمان، دین چهره ای تاریخی می شود و در کنار عناصر مقوم و ذاتی آن، عناصری عرضی پیدا می کند. بنابراین، ما با سه مقوله مرتبط با هم سر و کار داریم: حقیقت دین، چهره ی بیرونی و عرضی آن، واقعیت و معارف بیرونی.

احیای دین، بازسازی مناسبات

حال، احیای دین در این میان چه معنایی می یابد؟ احیای دین را دردشناسی و درمانگری دانستیم، با عنایت به سه مقوله ی مذکور، دردها و درمانها به کدام مقوله ناظر است؟در رهیافت مؤمنانه به امر احیا، حقیقت دین همواره زنده و سرمد است و حیات و سلامت مقولات دیگر بدان

سنجیده می شود و مبنا و معیار تشخیص احیاگر است. «لاجرم دردها متوجه دو مقوله ی دیگر است. احیاگر یا ساختار و هندسه ای را که برای مجموعه ی دین ترسیم شده است و در آن جایگاه ارکان و اجزای دین معین شده است با آن حقیقت زنده، ناسازگاری و تعارض می یابد و یا چهره ی بیرونی و عرضی دین را با آن حقیقت زنده همسو و هم آوا و منطبق نمی بیند و یا ملاحظه می کند این حقیقت زنده در ظرف مخاطب خود «اعم از ظرف ذهن، ظرف دل، ظرف حیات جمعی» دچار مشکل و آسیب شده است.هر کدام از این موارد باشد احیاگر باید در مقام درمانگری دست به کار تعمیر، تصحیح و بازسازی نسبتها گردد. بنابراین، در نگاه کلی احیا را می توان بازسازی نسبتهای درونی و بیرونی دین دانست. اما این بیان مجمل، نیازمند تفصیل است تا جوانب هر یک از آن موارد روشن شود:

بازسازی هندسه ی درونی دین

از ساختار درونی و هندسه ی دین آغاز می کنیم. مجموعه ی دین را از یک دیدگاه به سه رکن «اعتقادات»، «اخلاق» و «احکام» تقسیم کرده اند و از منظری دیگر، به «قشر» و «لب» و به تعبیر دیگر «هسته» و «پوسته» و گاه به شریعت»، «طریقت» و «حقیقت».روشن است که قرآن مجموعه ی دین را در قالب هیچیک از این تقسیمبندیها نیاورده است. این عالمان دین بودند که این ارکان و ابعاد را در مجموعه ی دین جسته اند. در اینکه دین اعتقادات، احکام و اخلاقیات دارد، تردیدی نیست.همچنین شکی نیست که ارکان سه گانه مذکور از یک تعادل، داد و ستد و تأثیر ویژه ی برخورداری دارند و نظامی از مناسبات، آن سه را به یکدیگر پیوند می دهد. در این میان

پرسـش این است که اصولا کـدامیک از این سه، «برای» آن دو دیگر است.کدامهاشان مقدمه دارند و کدام شان نتیجه؟ شـجر کدام است و ثمر کدام؟این پرسشـها از این روست که سیسـتم دهی و تصویربخشـی ساختارمند از دین نزد عالمان دین همواره صـورت گرفته و خواهـد گرفت و این امر، نهـایت اهمیت را در جهت بخش دین داراست و حیـات و مسـخ دین بـدان وابسـته است. کـافی است که در ساختـار خطی یا سه ضـلعی این ارکان سه گانه جاها را عوض کنیـد، در آن صورت ملاحظه خواهید کرد که چه تأثیری در جهت گیری سیستم خواهد نهاد.رویکرد کلامی به دین – و اصولاً آنها که به بعد معرفتی دین تأکید می کننـد – عمـدتا نـاظر به تبیین و اثبات عقایـد حق است و تمایل دارد که سـعادت اخروی مؤمنان را در گرو حصول عقایـد حق ببینـد. از این رو، التزام به اخلاق و احکام دین را بستر و مقـدمه و زمینه ساز پذیرش آن اعتقادات می داند. اما رویکرد اخلاقی و عرفانی که برنامه ی دین را انسانسازی می داند، اعتقادات را زمینه ی ذهنی و احکام را مقدمه ی عملی پدید آمدن روحیات کمال بخش انسانی تلقی می کند و بالاخره رویکرد فقهی، عقاید و اخلاق را از آن رو می خواهد که موجب می شوند، اعمال شرعی بر اعضـا و جوارح آدمیـان جـاری شونـد. افزون بر آن افراط و تأکیـد در هر یـک از رویکردهای سه گانه آفت خیز نیز بوده و تمـامیت دین را در معرض خطر قرار داده است. این رویکردها – آشـکارا و نهان – هر کـدام مبتنی بر یک رأی در باب محور و گوهر دین هستند. آن چیزی که ملاک اساس

در تعیین نوع ساختار و سیستم دین و تصحیح و تنقیح آن دخالت تام دارد، گوهر دین است. احیای دین در این مقام ناظر به تصحیح مناسبات ارکان سه گانه ی دین در ساختار و سیستم دین بر مبنای گوهر و محور آن است و نشاندن این هرم بر قاعده ی آن است.این بیان در تقسیمبندی دین به «قشر» و «لب» نیز جریان دارد. تقسیم دین به «قشر» و «لب» در میان عارفان و حکیمان ما سابقه ای دیرینه دارد. تعبیر لا-یه مند دین بزرگواران از دین حکایت از آن دارد که اجزا و عناصر دینی از یک سطح ارزشی واحد برخوردار نیستند. از دیدگاه عارفان و حکیمان احکام، شرایع، آداب ظاهری، عبادات و معاملات دینی به منزله ی قشر دین، و حقایق و کمالات و احوالی که در دل اینها نهفته است، مغز دین تلقی می شود. البته تقسیم دین به شریعت، طریقت و حقیقت را نیز می توان بیانی دیگر از این تقسیمبندی دانست. حضور این تفکیکها در فرهنگعارفانه و حکیمانه ما و در زبان و بیان کسانی چون مولوی، شیخ محمود شبستری، بوعلی و خواجه نصیر توسی از عمق درایت و دین شناسی آنان حکایت می کند. این درایت و هوشمندی در عرصه ی دینداری و دین شناسی، سخت کارآمد و راهگشاست و در عرصه ی احیای دین بسیار چشم گشا. در مقام دینداری و دین شناسی، این استعداد همواره وجود داشته و دارد که جایگاه، رابطه و اساسا موجودیت قشر و لب مخدوش گردد و بیم آن می رود که یکی در پای دیگری قربانی شود. احیای دین در این مقام به معنای:۱- تأکید بر مقوم دین بودن هر دو۲- تبیین شأن هر کدام۳- نشاندن هر یک

در جایگاه خود۴- و بالاخره، تبیین نوع روابط و مناسبات میان آنهاست.از این میان، مورد اخیر مهمتر و حساستر است؛ چرا که این نوع رابطه است که می تواند موارد پیشین را نیز تأمین و تضمین کند. اگر رابطه ی قشر و لب چنان تبیین شود که ملازمت آن دو را ایجاب کند در آن صورت می توان از دام قشرگرایی - که در عین ستاندن روح دین است - و از ورطه ی احیاگری و تأویل و تفسیرهای دین کش رهایی جست.

بازسازی مناسبات میان چهره ی حقیقی و چهره ی تاریخی دین

همچنانکه پیشتر گفته آمد، دین دو چهره دارد؛ چهره ی ماورایی؛ قدسی و ملکوتی و چهره ای خاکی، بشری، عینی و تاریخی. آن حقیقت قدسی و ناب وقتی در میان بشر و عرصه ی خاکی قدم می نهد. قبای بشری بر تن می کند و غبار عالم خاکی بر سر و رویش می نشیند، رنگ و بوی طبیعت و شهر و دهر می گیرد و به دیگر عبارت، آن روح عریان در قالب جسمی عیان ظاهر می شود و بدین ترتیب آدمیان با مؤلفه ای آسمانی - زمینی، بشری - الهی روبرو می شوند و وحی به زبان بشر و به لسان قوم درمی آید؛ واجد شأن نزول می شود؛ رنگ و بوی محیط می یابد و بوی فرهنگ معاصران و مخاطبان را می دهد. پیامبر (ص) به منزله ی موجودی تاریخمند دست به کار دعوت می شود؛ دلهای برخی را می رباید اما دلهایی هم می گریزند. در روند زمان و فراز و نشیب دعوتها،مخالفتها و موافقتها، جنگها و صلح ها، توفیقها و ناکامیهای فراوان رخ می دهد. رفته رفته دین به منزله ی نیروی اجتماعی چهره می نماید، جامعه و مدینه ی ویژه ای بنیاد می نهد و این جامعه سمت و سویی پیدا می کند و در گامهای بعدی، بر

گرد آن فرهنگ و تمدن شکل می گیرد و این فرهنگ و تمدن با فرهنگ و تمدنهای دیگر به تأثیر و تأثر می نشیند؛ فرقه ها پدید می آید؛ طبقات و اصناف ویژه ای شکل می گیرد. گاه حوادث مطلوب رخ می نماید و گاه حوادث ناخواسته و نامطلوب، پاره ای دین را برای خود می خواهند. اما پاره ای دیگر خود را برای دین، اختلافات اجتماعی، رنگ دینی می گیرند. تلقی های گوناگون از دین سربرمی آورند. مرزبندیهای جدید در دل جامعه چهره می نماید. ایمانها، کفرها، و نفاقها ورزیده می شوند. برخی لقب راست دین می گیرند و پاره ای به بددینی و خروج از دین متهم می شوند. در کنار اخلاصها و ایمانها و دین ورزیها، ریاها و دین فروشیها و دکانداریها رواج می یابد. گاه از حربه ی مذهب علیه مذهب استفاده می شود. بنی امیه و بنی عباسها با نام دین بر مسند پیامبر تکیه می زدند. کعب الاحبارها امین حاکم دینی می شوند و ابوذرها به ربذه ها تبعید می شوند. در کنار خانه ی گلی علی (ع) و فاطمه (س) کاخ سبزها سربرآورد. جامعه دینی در پاره ای موارد و مواقع، مدارج اعتلا را یکی از پس دیگری طی می کند و گاه در ورطه ی انحطاط و کام ذلت فرومی رود. مفاهیم دینی گاه زنده و زندگی بخشند و گاه به گونه ای تفسیر و تبیین می شوند که جز رخوت و خفتگی برای مسلمانان نصیبی ندارد. به تعبیر مولا علی (ع) اسلام، گاه وارونه می شود و لباس باژگونه می پوشد. «و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا» [۴] و به تعبیر امام خمینی (رحمه الله علیه) اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و مستضعفین در فرایند استحاله خود بدل به اسلام آمریکایی و اسلام مرفهین بی درد و مستکبران می شود. و در بیان دکتر شریعتی

تشیع ناب علوی در برهه ای به تشیع صفوی بدل می شود. گاه از سخن حق، اراده ی باطل می شود و این سخن در برابر امام حق قرار می گیرد (کلمه حق یراد بها الباطل) [۵] .همه ی این موارد حکایت از آن دارد که حقیقت ناب، قدسی و همیشه زنده ی دین در چهره ی عینی، تاریخی خود و در روند تاریخمندی و زمانبندی و مکانمندی خود گاه دچار مسخ، وارونگی، بددینی / سوء دینداری و اراده ی باطل می شود و بدین ترتیب جسم دین دچار ضایعه ای می شود که سلامت روح آن را در معرض تهدید قرارمی دهد بی گمان این امر نشان می دهد که در جامعه دینی وجود خارجی دین باید نقدپذیر باشد. احیای دین در این عرصه، ناظر به تجدید مناسبات روح دین و جسم دین است و با نقد چهره ی خارجی دین در پی ایجاد وفاق و سازگاری و همسویی چهره ی عینی و تاریخی دین با روح و ماهیت آن است. بر این اساس، احیای دین تجدید و تصحیح نسبت چهره ی تاریخی و چهره ی حقیقی آن است. بازسازی این نسبت و اصولاً احیاگری در این مقام در حوزه ی جامعه شناسی احیا قرار دارد و با رویکردی جامعه شناسانه به دین امکانپذیر است.تا بسط و توضیح کامل «احیای دین به منزله ی تئوری بازسازی مناسبات» دو گام فاصله داریم:۱- «تبیین بازسازی مناسبات میان امور ذاتی و امور عرضی دین» و۲- «بحث از چگونگی مناسبات میان حقیقت دین با ظرف مخاطب (اعم از ظرف ذهن، ظرف دل و ظرف حیات جمعی)» که هر دو را به مجال و فرصتی دیگر می سپاریم.

پاورقی

[۱] گر چه آثار و نتایج احیاگری مؤمنانه متوجه فرهنگ هم خواهد بود.

[۲] احیای دین

را به هر معنا که بدانیم.

[۳] «مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۳۲۱۱ و ۳۲۱۰ هر کجا دردی دوا آنجا رود هر کجا فقری نوا آنجا رود هر کجا مشکل جواب آنجا رود هر کجا کشتی است آب آنجا رود.

[۴] نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۰۸ نیز بنگرید: کانکم تریدون تکفئوا الاسلام علی وجهه... خ ۱۹۲.

[۵] همان، خ ۴۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹